

منظور شناسی جمله‌های پرسشی در اشعار اخوان ثالث

دکتر جلال رحیمیان*

عباس بتولی آرانی**

دانشگاه شیراز

چکیده

متداولترین انواع جمله در زبان‌های دنیا، خبری، پرسشی و امری است که به ترتیب برای دادن اطلاع، طلب خبر و صدور فرمان بکار می‌روند. مطالعات رده‌شناسی زبان‌ها حاکی از آن است که در استفاده روزمره از زبان، کمتر شاهد تطابق مقوله‌های دستوری یاد شده با مقوله‌های معنایی-منظوری مربوط به آن‌ها هستیم. نمونه‌های این نبود همسانی را هم در زبان روزمره مردم و هم در آثار ادبی موجود در زبان می‌توان دید، البته از آنجا که شعر بازتاب سیلان پیش‌بینی نشده افکار و احساسات بشری است، شاید بتوان نمونه‌های این نبود همسانی را در آثار ادبی بیش از دیگر آثار مشاهده نمود. متخصصان صنایع ادبی فارسی، نقش‌های معنایی-منظوری فراوانی را در این زبان برشمرده‌اند. تحقیق حاضر نقش‌های معنایی-منظوری ۹۱ جمله پرسشی از میان اشعار اخوان ثالث را، در قالب ارائه شده از سوی شمیسا (۱۳۷۳ و ۱۳۷۶) تجزیه و تحلیل نموده است. یافته‌های این تحقیق حاکی از آن است که اخوان، در ۹۱ جمله پرسشی از ۱۷ قطعه شعر خود ۱۲ نقش از نقش‌های بیست و هفتگانه ارائه شده از سوی شمیسا را به کار گرفته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که وی از مقوله معنایی-منظوری «نومدی» بیشترین بهره را گرفته است. این کاربرد حاکی از وجود بحران در جامعه‌ای است که شاعر در آن زندگی می‌کرده است. البته بسامد بالای بهره‌گیری از مقوله «نومیدی» نیز بی‌ارتباط با بدبینی شاعر، نسبت به آنچه در اطراف وی می‌گذشته نیست؛ این موضوع مؤید نظر کسانی است که اخوان را شاعر یأس و شکست می‌دانند.

واژه‌های کلیدی: ۱. منظور شناسی ۲. جمله پرسشی ۳. اشعار اخوان ۴. نقش معنایی-منظوری

۱. مقدمه

مسئله ویژگی‌های زبانی شعر، از روزگاران قدیم مطرح بوده است. در این باب، عبدالقاهر جرجانی ادیب و نحوی قرن پنجم و شمس قیس رازی محقق قرن هفتم و دیگران، تحقیقات بسیار ارزشمندی داشته‌اند. شمس قیس رازی آیه تصحیح فروینی (۱۲۷۸) در اثر معروف خود، المعجم فی معاییر اشعار العجم به بررسی جنبه‌های مختلف شعر از جمله «علم نقد شعر» پرداخته است.

جرجانی آیه نقل از رادمش (۴۵: ۱۳۶۸) با انتقاد از کسانی که برای شعر ارزشی قائل نیستند چنین می‌نویسد:

* دانشیار بخش زبان‌های خارجی و زبان‌شناسی

** کارشناسی ارشد آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبان‌ها

عده‌ای شعر را مذمت می‌کنند و نسبت به علم شعر و نقل روایت آن بی‌رغبت اند، چون می‌بینند بعضی اشعار حاوی مطالب هزل و هجو یا کذب است، ... اینها اشتباه بزرگی می‌کنند. زیرا مقصود ما در بحث فصاحت و بلاغت، اشعار مبتدل و زشت و آمیخته با هجو و هزل نیست.

جرجانی همچنین از رسول خدا نقل می‌کند که «بعضی اشعار پر است از حکمت و پند و بعضی سخنان طوری جذاب است که گوئی سحر می‌کند».

در عصر جدید به ویژه، با ظهور زبان‌شناسی ساختگرای سوسوری و وارد صحنه شدن زبان‌شناسانی چون یاکبسون و راجر فالر، نقد زبان‌شناختی جایگاه ویژه‌ای پیدا کرد. این دو، آثار فراوانی را در باب پیوند میان زبان‌شناسی و ادبیات به رشته تحریر در آورده‌اند. صاحب‌نظران یاکبسون را، پیش‌کسوت در نظم بخشیدن به کاربرد زبان‌شناسی در بررسی ادبیات می‌دانند. بعضی نیز معتقدند که فالر نخستین «الگوی» منسجم و جامع را برای نقد متون ادبی از دیدگاه زبان‌شناختی ارائه نموده است. (خوزان و پاینده: ۱۳۶۹).

صفوی (۱۳۸۰) ضمن بیان سیر تاریخی نزدیکی ادبیات و زبان‌شناسی، نشان می‌دهد که محققانی چون یاکبسون چگونه کاربرد اصول زبان‌شناسی در بررسی ارزش‌های ادبی را به اثبات رسانده‌اند. وی همچنین با رویکرد به گذشتگان، اعتقادی راسخ به نقش بنیادی اصول و مفاهیم دستوری در مطالعات ادبی دارد:

آنچه در مطالعات سنتی ادبیات تحت عنوان معانی مطرح می‌شود، نه به آفرینش شعر ارتباط می‌یابد و نه به آفرینش نظم؛ بلکه شامل مجموعه‌ای از کاربردهای دستوری است که در یونان باستان و سنت مطالعات ارسطو «فن سخنوری» نامیده می‌شود. (صفوی، ۱۱۴: ۱۳۸۰)

به دنبال تحقیقاتی که ذکر آن‌ها گذشت، در این مقاله نیز برآنیم تا در راه اعمال جنبه‌هایی از زبان‌شناسی جدید، یعنی در چارچوب نظریه کنش‌های گفتاری و دیدگاه‌های بلاغی، براساس نمونه‌هایی از اشعار یکی از شعرای بزرگ معاصر تحلیلی به عمل آوریم تا شاید بتوانیم گامی در جهت رشد و بومی کردن این جنبه از نقد ادبی در مملکت برداریم.

۲. هدف تحقیق

تحقیق حاضر، کوششی است برای تجزیه و تحلیل نقش‌های معنایی-منظوری جملات پرسشی، دربخشی از اشعار مهدی اخوان ثالث و در سایه نظریه کنش‌های گفتاری و دیدگاه‌های بلاغی در شعر فارسی. به طور کلی این تحقیق در پی پاسخ به پرسش‌های زیر است:

۱. کارکردهای معنایی-منظوری جملات پرسشی در شعر شاعر چیست؟
۲. کدام مقوله معنایی-منظوری بیشترین بسامد را در شعر اخوان دارد؟
۳. بسامد بالای مقوله معنایی-منظوری خاص در شعر این شاعر بیانگر چه چیزی است؟
۴. پیوند بسامد مقوله معنایی-منظوری خاص در شعر شاعر، با دیدگاه کلی وی در مورد اوضاع و احوال مردم عصر خویش و شیوه خاص او، برای انتقال هرچه مؤثرتر اندیشه‌اش چیست؟

۳. پیشینه تحقیق

سابقه بررسی‌های زبانی ادبیات و شعر به روزگاران قدیم یونان باستان، به ویژه، ارسطو می‌رسد. نوشته‌های ارسطو در دوران نهضت ترجمه، به عربی ترجمه شد و تأثیر بسیاری در فلسفه، کلام و سخن‌سنجی عربی و فارسی داشت. در دوران اسلامی، علوم بلاغی پیشرفت چشمگیری داشت و نمونه برخورد علمای بلاغت، با شعر و ادب، کتاب المعجم فی معاییر اشعار العجم اثر شمس قیس رازی می‌باشد. در روزگار جدید، نقد زبان‌شناختی ادبیات، به ویژه، با نظرات یاکبسون، جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است. ادبیات را از جنبه‌های مختلف زبان‌شناختی از قبیل صوت، صرف و نحو و

گفتمان و غیره می‌توان مورد نقد و بررسی قرار داد. یکی از این جنبه‌ها بررسی ادبیات، از دید منظور شناختی می‌باشد. (صفوی: ۱۳۷۷ و ۱۳۸۰ و خوزان و پاینده: ۱۳۶۹). جهت آسانی در فهم مطالب این تحقیق برخی از مفاهیم منظورشناسی در بخش‌های (۱-۳ و ۲-۳ و ۳-۳) توضیح داده می‌شود.

۳.۱. تعریف منظور شناسی

از منظور شناسی، تعریف‌های گوناگونی داده شده است. بیشتر این تعریف‌ها را، در دو دسته می‌توان طبقه‌بندی کرد:

الف. تعریف‌هایی که منظور شناسی را بحث درباره منظور و نیت گوینده می‌داند
ب. تعریف‌هایی که منظور شناسی را، حوزه تعبیر و تفسیر گفته از جهت برداشت شنونده می‌داند، ما در این جا گفته یارمحمدی (۱۳۸۱) را ملاک قرار داده‌ایم. وی معتقد است که گوینده نیتی در سر دارد و آن را به شیوه‌ای (به صورت گفته یا نوشته) ارائه می‌دهد و شنونده از آنچه ارائه شده، برداشتی می‌کند. آنچه ارائه شده، به معنی در برداشتن همه فکر و نیت گوینده نیست و همسانی برداشت شنونده نیز لزوماً با نیت گوینده یکی نیست.
بررسی ساز و کار و توصیف نیت گوینده، بیشتر در حوزه منظور شناسی^۱ (و مطالعه شیوه ارائه معنی در گفته و نوشته، بیشتر در حوزه معناشناسی^۲ و بحث پیرامون چگونگی برداشت شنونده، اصالتاً در حوزه تأویل شناسی^۳ قرار می‌گیرد. طبیعی است که مرز بین این سه بخش، سیال است و در بعضی موارد، نامشخص و بحث آن، از حوصله این مقاله خارج است. در این تحقیق منظور ما از منظور شناسی، همان است که منظور یارمحمدی است، یعنی همان تعریف الف.

۳.۲. شاخه‌های منظور شناسی

لیچ [به نقل از یارمحمدی (۱۴۸: ۱۳۷۷)] منظور شناسی عمومی را، به دو بخش منظور شناسی - جامعه شناسی و منظور شناسی - زبان شناختی تقسیم می‌کند. پس از لیچ افراد زیادی به بحث پیرامون نظرات لیچ پرداخته‌اند. از جمله مارکان (۱۵۱: ۱۹۸۵) می‌گوید:

منظور شناسی - زبان شناختی عوامل زبانی‌ای که نقشهای معینی را در آن ایفاء می‌کنند، بررسی می‌کند و منظور شناسی - جامعه شناسی، نحوه اعمال اصول منظور شناسی را در فرهنگها و موقعیتهای اجتماعی گوناگون در بین طبقات مختلف اجتماع مورد مذاقه قرار می‌دهد. از این رو می‌توانیم مقیاس یا طیف برای منظور شناختی‌ای متصور شویم که از یک طرف به دستور (به معنی مطالعه ساخت زبان) و از طرف دیگر، به جامعه شناسی نزدیک می‌شود.

در منظورشناسی - زبان شناختی، نظر این است که یک جمله می‌تواند در بسترها و بافت‌های مختلف نقش‌های متفاوتی داشته باشد؛ ما آن‌ها را نقش‌های معنایی - منظوری نامیده‌ایم. به روش معمول، یکی از این نقش‌ها مرسوم‌تر است و بسامد بیشتری دارد و به قول علمای علم معنایی، معنای اولیه محسوب می‌شود و نقش‌های دیگر، معنای ثانویه. این بخش از منظورشناسی جدید، با علم معنایی و تا حدی میان علوم بلاغی (اسلامی-ایرانی) به میزان قابل توجهی همپوشی دارد. تحقیق حاضر نیز در حوزه منظورشناسی - زبان شناختی قرار می‌گیرد.

۳.۳. نقش‌های معنایی - منظوری و علم معنایی

سه مقوله خبری، پرسشی و امری از همگانی‌های زبان‌های بشری محسوب می‌شوند. یعنی، در تمام زبان‌های دنیا حداقل دو یا سه نوع از این جملات یافت می‌شود (لاینز: ۱۹۹۰). در همسان سازی مقوله‌های دستوری و معنایی - منظوری، سخنگو با بنیادی ترین شکل استفاده از جمله‌های زبان سرو کار دارد. سخنگو، برای دادن خبر، کسب اطلاع و صدور فرمان، به ترتیب، از جمله‌های خبری، پرسشی و امری استفاده می‌کند. برای مثال، جمله خبری (۱) برای دادن اطلاع، جمله پرسشی (۲) برای کسب خبر، و جمله امری (۳) برای صدور فرمان به کار رفته است. از این رو می‌توان گفت که در این جمله‌ها، مقوله‌های دستوری با مقوله‌های معنایی - منظوری همسان شده‌اند:

۱. کتاب را خواندم.

۲. کتاب را خواندی؟

۳. کتاب را بخوان!

در این صورت در استفاده رایج و روزمره از زبان، کمتر شاهد انطباق مقوله های دستوری با مقوله های معنایی-منظوری هستیم. به طور مثال، ممکن است پدر خانواده برای امر کردن به پسرش، جمله خبری (۴) را استفاده کند. همچنین فرد ممکن است برای بیان درخواست، جمله پرسشی (۵) را به کار گیرد. پس می توان گفت که در این دو مورد، مقوله های دستوری خبر و پرسش، برای بیان مقوله معنایی-منظوری فرمان به کار رفته اند:

۴. رضا، تو امروز در خانه می مانی و درس می خوانی.

۵. یک لیوان آب به من می دهی؟

بنابراین، دو نوع کاربرد را می توان برای جمله های زبان تعریف نمود؛ آن دو کارکرد عبارتند از: معانی اولیه و معانی ثانویه. مصادیق کاربردهای اولیه در جمله های (۱-۳) و نمونه های کاربردهای ثانویه در جمله های (۴-۵) قابل مشاهده است. جمله های زبان، افزون بر دو کاربرد یاد شده، کارکرد سومی نیز دارند که مصادیق آن را می توان در غالب آثار ادبی، و به ویژه، در شعر یافت. در بسیاری از اشعار جمله هایی خبری یافت می شوند که شاعر آن ها را، نه برای دادن خبر؛ بلکه برای بیان مفاهیمی چون تعظیم، تعجب، حیرت، امید، نفرین، طعنه، شادی و امثال آن به کار برده است. سبب این نوع کارکرد زبان را باید در نگرش احساسی و خیال انگیز بشر به جهان درون و بیرون جستجو کرد. زبان عاطفی و احساسی، منظور شاعر را به گونه ای مؤثر به خواننده انتقال می دهد. در چنین زبانی، معمولاً واژه ها و جملات در معنای هنجار و اصلی خود به کار نمی روند. (شمیسا: ۱۳۷۳؛ کزاز: ۱۳۷۴؛ الهاشمی: ۱۳۷۶؛ آستین: ۱۹۶۲ و لیچ: ۱۹۸۳).

۴. ۳. پژوهش های انجام شده در زبان فارسی

از میان محدود پژوهش های انجام شده در باب نقش های معنایی-منظوری در زبان فارسی، می توان به رحمانی (۱۳۷۵) اشاره نمود. وی در بافت پیوند میان الگوهای نحوی و منظورشناسی، کلام، به طبقه بندی کردارهای زبانی غیرمستقیم در فارسی پرداخته است. ایشان در بخشی از تحقیق خود نیز تأثیر عدم تطابق الگوهای نحوی با جنبه های معنایی-منظوری در ترجمه را، مورد مطالعه قرار داده است. وی در پایان یکبار دیگر، یافته های تحقیقات گذشته را مبنی بر اینکه هر جمله افزون بر معنای اولیه، بسته به بافت کلام، یک یا بیش از یک معنای غیر مستقیم دارد، تأیید می کند.

کلانتری (۱۳۷۶) در حوزه منظورشناسی، به بررسی و تحلیل الگوهایی پرداخت که به طور مستقیم یا غیرمستقیم، مقوله معنایی-منظوری امر را به مخاطب القاء می کنند. وی با استخراج ۱۱۴۸ تعبیر امری از ۲۴ موقعیت و استفاده از یک پرسشنامه به تحلیل تعبیرات مورد نظر پرداخت. نتایج آماری حاصل از تجزیه و تحلیل داده ها نشان داد که فارسی زبانان، اصولاً الگوهای امری مستقیم را بر الگوهای غیرمستقیم ترجیح می دهند. البته وی نقش عواملی چون قدرت و فاصله اجتماعی را در تعیین الگوهای امری بسزا می داند. هر چه سخنگو از قدرت بیشتر و موقعیت اجتماعی مناسب تری بهره مند باشد، به همان نسبت، الگوها، امری مستقیم بیشتری به کار خواهد گرفت.

شکری کاظم آبادی (۱۳۷۸) بیش از ۳۰۰ بیت پرسشی از غزلیات حافظ را، باهدف کشف مقوله های معنایی-منظوری استخراج نموده است. نتایج حاصل از تحقیق، حاکی است که بیش از ۷۰٪ از ابیات مورد بررسی برای بیان چهار مقوله شگفتی، نفی، انکار، تمنا و نهی به کار رفته است. ۳۰٪ باقی مانده نیز برای بیان ۱۵ مقوله معنایی-منظوری دیگر استفاده شده است. از دیگر نتایج جالب توجه این پژوهش این است که حافظ برای بیان پرسش کمترین استفاده را از بیت های پرسشی داشته است. شکری در پایان بر این باور است که استفاده شگفت آور هنرمندانه حافظ از جمله های پرسشی، برای بیان هدف های غیر پرسشی تأثیر کلام شاعر را دوچندان نموده است.

۴. روش تحقیق

۴.۱. داده‌های تحقیق

داده‌های تحقیق، از ۹۱ جمله (شامل بندهای مهین/کهن) برگرفته از ۱۷ قطعه از اشعار اخوان ثالث تشکیل شده است. شرح و توضیح مقوله‌های معنایی-منظوری در باب هر شعر، براساس منابع تحقیقی معتبر فارسی از جمله تجلیل (۱۳۶۸)، خونی (۱۳۷۰)، رحیمی (۱۳۷۹)، زریاب خونی (۱۳۷۹)، سرکوهی (۱۳۶۹)، محمدی آملی (۱۳۸۰) بیان خواهد شد.

از میان اشعار اخوان ثالث، سروده‌هایی انتخاب شده‌اند که در بحر هزج نیمایی یا بحر رمل نیمایی هستند. اشعار مورد بررسی، در بحر هزج نیمایی، شامل زمستان، آواز کرک، چاووشی، سترون، کتیبه، قصه شهر سنگستان، روی جاده نمناک، صبحی، دریغ و درد است. اشعار مورد بحث در بحر رمل نیمایی، عبارتند از: نادر یا اسکندر، چون سیوی تشنه، آخر شاهنامه، قاصدک، پیوندها و باغ. سروده‌های معروف دیگری چون ناگه غروب کدامین ستاره، تسلی و سلام، و باغ من به عنوان اشعار دارای مضامین اجتماعی نیز بررسی خواهند شد.

صاحب‌نظران معتقدند که اخوان، شاعر یأس و اندوه و اشک است. از طرفی، یأس شاعر پیوندی تنگاتنگ با وضع جامعه و ابعاد گوناگون زندگی اجتماعی دارد. از این رو در انتخاب داده‌ها تکیه بر اشعاری است که با محیط زندگی شاعر پیوند مستقیم دارد.

عامل مؤثر دیگر، در انتخاب اشعار، مقبولیت و شهرت آن‌هاست. هر شاعری اشعاری دارد که اکثر ادب دوستان جامعه وی را با آن‌ها می‌شناسند. تجربه نشان می‌دهد که مصادیق معنای ثانویه را در جمله‌های پرسشی بهتر از دیگر مقوله‌های دستوری می‌توان دید. به همین جهت، در این تحقیق تنها جمله‌های پرسشی در اشعار اخوان بررسی و تحلیل خواهند شد.

۴.۲. شیوه تحلیل داده‌ها

جملات پرسشی پیوسته برای طلب خبر استفاده می‌شوند. به دیگر سخن، طلب خبر از کارکردهای عادی جملات پرسشی است؛ اما در شعر، برای تأثیر بیشتر، جمله‌های پرسشی می‌توانند کارکرد عادی خود را از دست بدهند و از آن‌ها، برای انتقال تفکر، پیام، احساسات و عواطف خود، به‌جای جملات خبری و تعجبی بهره گرفته شود. برای جملات پرسشی، کارکردهای مجازی گوناگونی بر شمرده‌اند. شمیسا (۱۳۷۶) تعداد ۲۷ مقوله معنایی-منظوری را بر شمرده است که در تحلیل داده‌های این تحقیق از آن‌ها استفاده خواهد شد.

تحلیل هر شعر و شیوه ارائه آن، شامل چهار قسمت خواهد بود. عنوان شعر، جملات پرسشی شعر، مقوله‌های معنایی-منظوری و درنهایت، توضیح مربوط به هر کدام. در تعیین کارکردهای متفاوت جملات پرسشی در شعر اخوان، باید در نظر داشت که شکل و ساختار شعر وی بر پایه قصه و روایت است. بنابراین، بر خلاف اشعار بعضی دیگر از شعرا، چون فروغ فرخزاد، می‌توان کارکرد جملات را با عنایت به بستر و بافت موضوعی و فرهنگی تعیین کرد. به دیگر سخن، گاه اطلاعات فرامتنی، تاریخی، و اجتماعی، راجع به هر شعر که با رجوع به بعضی منابع قابل حصول است؛ ما را در تعیین مقوله‌های معنایی-منظوری یاری خواهد کرد.

۵. تحلیل داده‌ها

منظومه‌های انتخاب شده تحقیق، بر نقل یک یا چندین قصه متکی هستند. قصه در یک روایت جریان دارد و شاعر پیوسته، خود، قصه‌های از یاد رفته را روایت می‌کند (محمدی آملی، ۱۳۸۰). گاهی در یک شعر اخوان، قصه‌های فرعی نیز وجود دارد. برای نمونه، شعر ناگه غروب کدامین ستاره از چندین قصه تشکیل شده است. از این رو، کارکردهای مجازی جمله پرسشی را باید بیشتر با توجه به بستر فرهنگی و اجتماعی آن تعیین کرد. به علت چنین ساختار منسجم روایی، در شعر اخوان در بسیاری از موارد، برای مراجعه به کل قصه ناگزیر خواهیم بود. در ادامه ۱۷ قطعه شعر، با ذکر عنوان، جملات پرسشی مورد نظر، مقوله‌های معنایی-منظوری و توضیحات مربوط آورده می‌شود.

(یکم) عنوان شعر: زمستان

پرسش: پس دیگر چه داری چشم؛ ز چشم دوستان دور یا نزدیک؟ ... چه می‌گویی که بیگه شد؛ سحرشد بامداد آمد؟
مقوله معنایی - منظوری اظهاریأس و نومیدی (۲ مورد)

سروده زمستان که شاعر آن را به تاریخ دی‌ماه ۱۳۳۴، سروده است؛ بازتاب نگرش شاعر، نسبت به حال و هوای مملکت پیامد کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ است که اسباب آزرده‌گی شدید وی شد. تنهایی، خفقان، خاموشی، عدم آزادی بیان، به باد رفتن آرزوها، شکاف و پراکندگی بین یاران و همفکران، عهد شکنی‌ها، تلاش فرد برای جان به در بردن از مهلکه؛ بی‌توجه به هم‌نوعان، همگی، شاعر را متوجه رکود و سکون موجود در جامعه می‌سازد. این امر بی‌پناهی و تنهایی رنج شاعر را، بیشتر می‌سازد. گویی همه سر در گریبان فرو برده و حتی نای پاسخ به سلام شاعر را ندارند. در این کوره راه ابهام، مشکل می‌توان حتی پیش پای خود را دید. بیم مرگ و تهدید جان حتی اجازه پاسخ به محبت آشنایان را نمی‌دهد. (یوسف: ۱۳۶۹). شاعر پس از ترسیم وضعیت این شهر سرد زمستانی، تصویری بس زیبا، از سکوت مردم و عدم جسارت در بیان افکار همراه با نومیدی خود از مردم را، به ما ارائه می‌کند.

جمله پرسشی دوم نیز بیانگر یأس است، باده فروش، خطاب به شاعر می‌گوید که تصور رسیدن سحر امید واهی بیش نیست. و نوید سپری شدن روزهای تاریک زمستانی و فرا رسیدن بهار روشنایی مبنایی ندارد. مرد تنهای شب‌های زمستان‌های طولانی، با جمله‌ای خبری، به دنبال جمله پرسشی پاسخ خود را می‌دهد به این مضمون که این سرخی در آسمان، جز فریبی از صیح کاذب نیست و او، همچنان سیلی سرد زمستان را بر بنا گوش خویش احساس می‌کند.

(دوم) عنوان شعر: آواز کرک

پرسش: بده ... بدید ... چه امیدی؟ چه ایمانی؟ بده ... بدید ... چه پیوندی؟ چه ایمانی؟

مقوله معنایی - منظوری اظهاریأس و نومیدی (۴ مورد)

شعر یاد شده، روایت‌گر آواز خوانی پرنده‌ای به نام کرک (بلدرچین) است که آوازی شبیه به تلفظ «بد بده» دارد و از این رو، به این پرنده نام بدیدک هم داده‌اند. شاعر با مشاهده رخدادهای طبیعی، راه بیان اندیشه‌های خود را پیدا می‌کند. (وجدانی: ۱۳۶۶). این شعر نیز مانند زمستان، سوگنامه‌ای سرشار از دریغ و درد است و از سال‌های سیاه شکست و سکوت حکایت می‌کند. شاعر در انزوا، کرک را خطاب قرار می‌دهد و می‌گوید: در حالی که هر سوگند و لبخندی دروغ است؛ چگونه امید می‌توان بست؟

(سوم) عنوان شعر: چاووشی

پرسش: ببینم آسمان "هرکجا" آیا همین رنگ است؟ ... که زستانی چو من هرگز ندانند و ندانستند کان خوبان پدرشان کیست؟ و یا سود و ثمرشان چیست؟ ... کسی اینجاست؟ هلا من با شما، های! ... می‌پرسم کسی اینجاست؟ کسی اینجا پیام آورد؟ نگاهی، یا که لبخندی؟ ... کسی اینجاست؟ ... که می‌گوید بمان اینجا؟ ... به کجای این شب تیره بیاویزم قهای زنده خود را؟ ... کجا؟ چرا بر خویشتن همواره باید کرد رنج آبیاری کردن باغی کز آن گل کاغذین روید؟ ... کجا؟

مقوله معنایی - منظوری اظهار یأس و نومیدی، تأکید و تقریر جواب، ملامت و سرزنش (جمعاً ۱۳ مورد)

شاعر در این شعر، تصویری ارائه می‌کند که نمایشگر فریبی است که هم نسل‌های وی، اسیر آن شده‌اند. اخوان مجبور به انتخاب یکی از سه راه موجود است: عیش و نوش و راحتی توأم با ننگ؛ پذیرش ننگ و نام؛ و سرانجام راه بی‌فرجام و بی‌برگشت. وی با بصیرت راه آخر را بر می‌گزیند، و می‌داند که نیل به آمال و آرزوها محال است، پس قدم بدان راه بی‌بازگشت می‌نهد. جمله‌های پرسشی یاد شده نیز اوج یأس شاعر را نشان می‌دهد (محمدی آملی: ۱۳۸۰).

(چهارم) عنوان شعر: سترون

پرسش: پس چرا باران نمی‌آید؟ آیا این همان ابرست کاندرا بی هزاران روشنی دارد؟

مقوله معنایی - منظوری اظهار بی‌تابی، تحقیر (جمعاً ۲ مورد)

سترون، حکایتگر ابر نازایی است که سراسر آسمان را پوشانده و مردم را به نزول باران امید می‌دهد اما هرگز بر آن‌ها نمی‌بارد. این شعر نمایش نمادین حاکمی است که تنها هنرش، دادن وعده‌های واهی و فریب است (عدنانی: ۱۳۷۹). ابر سیاه، در ابتدا امید باران جهان سرشار از سرور را می‌دهد. مردم از این وعده، مسرور می‌شوند؛ اما هرگز جز رعد و برق، نصیب و عاید آن‌ها نمی‌شود، از این‌رو صبر از دست داده و می‌پرسند؛ چه شد باران؟ در اینجا مردم می‌یابند که پیر درودگر راست گفته که این ابر فقط آسمان پرکن است و بارانی در بردارد. به همین سبب بشارت‌های ابر را، به تمسخر می‌گیرند.

(پنجم) عنوان شعر: کتیبه

پرسش: ندانستیم؛ ندایی بود در رؤیای خستگی‌ها مان، و یا آوایی از جایی، کجا؟ ... چه خواندی هان؟

مقوله معنایی-منظوری بیان ابهام و حیرانی، بیان تعجب و حیرت (جمعاً ۲ مورد)

این سروده، حکایت مردمی است، گرفتار زنجیر که با امیدی واهی تلاش در برگرداندن تخته سنگی دارند و نماد زندگی و طبیعت است و معمای زندگی را حل می‌کند (فولادوند: ۱۳۷۹). پرسش نخست بیان گر ابهامی است که برای خیل زنجیریان وجود دارد. این افراد، با غلتاندن صخره برای یافتن راز نوشته بر آن روی تخته سنگ بی‌تابی می‌کنند (زریاب خوئی: ۱۳۷۹). یکی از آن‌ها، به بالای تخته سنگ رفته و نوشته را می‌خواند؛ اما در حال خواندن نوشته از خود بیخود شده و سرانجام مردم حیرت زده می‌خواهند بدانند چه چیزی مرد را مدهوش کرده است.

(ششم) عنوان شعر: قصه شهر سنگستان

پرسش: اینکه خوابیده است اینجا کیست؟ ... نگفتی کیست؟ باری سرگذشتش چیست؟ ... چه جای شوخی و شنگی ست؟ ... همان شهزاده بیچاره است؟ او که شبی دزدان دریایی به شهرش حمله آوردند؟ ... بگو آیا تواند بود کورا رستگاری روی بنماید؟ ... کلیدی هست، آیا، که ش طلسم بسته بگشاید؟ ... کجایی ای حریق؟ ای سیل؟ ای آوار؟ ... مگر دیگر فروغ ایزدی آذر مقدس نیست؟ مگر آن هفت آنوشه خوابشان بس نیست؟ زمین گنبدید، آیا بر فراز آسمان کس نیست؟ ... پشتوتن مرده است آیا؟ و برف جاودان بارنده سام گرد راسگ سیاهی کرده است آیا؟ ... بگو آیا مرا دیگر امید رستگاری نیست؟ صدا نالنده پاسخ داد: "... آری نیست؟"

مقوله معنایی-منظوری طلب خبر، نفی مؤکد، اظهار یأس و نومیدی (جمعاً ۱۸ مورد)

قصه شهر سنگستان مکالمه میان دو کبوتر است که روی شاخه‌های سروی کهنسال نشسته‌اند و با خواهرجان خطاب کردن یکدیگر، پرسش‌های زیادی می‌کنند و بدین طریق، خواننده را با فضای داستان آشنا می‌سازند. این دو کبوتر از بالای درخت، کسی را می‌بینند که در زیر درخت به خواب رفته است. آن‌ها سعی می‌کنند، از روی نشانیها بفهمند او کیست (طلب خبر). کبوترها نخست تصور می‌کنند که وی همان بهرام ورجاوند است که طبق آیین زرتشتی، پیش از روز رستاخیز خواهد آمد تا دشمنان را از بین ببرد. سرانجام کبوتر نخست در می‌یابد که این مرد همان شهريار شهر سنگستان است که دزددها به سرزمینش هجوم آورده‌اند و وی فریاد می‌زند؛ اما پاسخی نمی‌شوند (نفی مؤکد).

کبوتر دوم، مایل است، بداند سرانجام این شهريار به رستگاری خواهد رسید یا نه (طلب خبر). پاسخی که وی می‌شنود، بر او اس آیین زرتشتی، این است که شهريار شهر سنگستان که آواره کوه و بیابان است، باید در کنار چشمه‌ای روش، غبار سال‌های دل‌مردگی را در آب بشوید و اهورامزدا را نیایش کند؛ آتش بر فرورزد و نماز، بگزارد و هفت ریگ را در دهان چاه افکند تا چاه آب شیرین دهد و بخت وی بیدار شود. اما نه تنها آبی از چاه نمی‌جوشد؛ بلکه دودی از گلوی چاه بر می‌خیزد و چشمه می‌خشکد. در این هنگام این غریب، غم و یأس خود را با غار می‌گوید؛ چرا که دیگر امید رستگاری برایش بر جای نمانده است (بیان یأس و نومیدی) (محمدی آملی: ۱۳۸۰).

(هفتم) عنوان شعر: روی جاده نمناک

پرسش: چه می‌دیده است آن غمناک روی جاده نمناک؟ زنی گم کرده بویی آشنا و آزار دلخواهی؟ سگی ناگاه دیگر بار وزیده بر تنش گم‌گشته عهدی مهربان با او چنان چون پار یا پیرار؟ سیه روزی خزیده در حصار سرخ؟ اسیری از عبث بیزار و سیر از عمر به تلخی باخته دار و ندار زندگی را در قماری سرخ؟ و شاید هم درختی ریخته هر روز، همچون سایه

در زیرش هزاران قطره خون بر خاک روی جاده نمناک؟ چه نجوا داشته با خویش؟ چه نقشی می‌زده‌ست آن خوب به مهر و مردمی یا خشم یا نفرت؟ به شوق و شور یا حسرت؟ دگر بر خاک یا افلاک روی جاده نمناک؟ که می‌داند چه می‌دیده‌ست آن غمگین؟

مقوله معنایی-منظوری بیان ابهام (جمعاً ۱۱ مورد)

مقوله معنایی-منظوری ابهام که از ویژگی‌های ادبیات پیشرو است، هنگامی به کار گرفته می‌شود که موضوع برای خود شاعر نیز مبهم باشد. اخوان با طرح پرسش‌ها، حس کنجکاوی مخاطب را برمی‌انگیزد (شمیسا: ۱۳۷۶). «روی جاده نمناک» کتابی بوده که صادق هدایت قبل از خودکشی آن را می‌سوزاند؛ بنابراین، از محتوای آن اطلاعی در دست نیست. اخوان، با استفاده از این موضوع پرسش‌هایی را مطرح می‌کند که پاسخی برای آن‌ها ندارد و در ذهن او، هنوز به‌صورت یک ابهام، باقی مانده‌اند (بیان ابهام).

(هشتم) عنوان شعر: صبحی

پرسش: قرار از دست داده، شاد می‌شنگید؟ و می‌خوانید؟ خوشا، دیگر خوشا حال شما! اما سپهر پیر بد عهد است و بی‌مهر است؛ می‌دانید؟ کدامین جام و پیغام؟ ... توچشنتی به جز بانگ خروش و خر؟ ... کدامین سوگ می‌گریانند، ای ابر شبگیران اسفندی؟

مقوله معنایی-منظوری اظهار شگفتی و حیرت، تنبیه و عبرت، نفی مؤکد، حزن و اندوه، اظهار یأس و نومییدی (جمعاً ۶ مورد)

شعر با جمله‌ای پرسشی آغاز می‌شود و بیانگر حیرت و شگفتی شاعر به دلیل مهجور ماندن وی در بیغول‌های تاریک است (بیان حیرت). شاعر مرغان شاد را به یاد بدعهدی و بی‌مهری روزگار می‌اندازد که شادی‌هایش پایدار نمی‌ماند (تنبیه و عبرت). شاعر از دوگانگی بین حال خود و مرغان غمگین می‌شود؛ چرا که آن‌ها، خوبتر پیغام و شیرینتر خبر می‌شنوند؛ اما او در این ده کوره دور افتاده از معبرها جز بانگ خروسان و خران صدای دیگری نشنیده است. پس خود را چون ابر زمستانی تاریک و غمگین می‌یابد (نفی مؤکد و اظهار اندوه).

(نهم) دریغ و درد

پرسش: چه بود؟ این تیر بی‌رحم از کجا آمد؟ می‌آید راست باشد این خیر، زنه‌ار! چه سود اما؟

مقوله معنایی-منظوری بیان حزن و اندوه، اندوه و نومییدی (جمعاً ۳ مورد)

این شعر، مرثیه‌ای است که اخوان در مرگ ناپهنگام فروغ سروده است؛ شاعر مرگ او را، چون تیر بی‌رحمی می‌داند که غمگینی را باز به دل خون آلوده شاعر آورده است (بیان حزن و اندوه). وی سرانجام، نومیید از دعا‌های خود، مرگ فروغ را با دلی غمگین باور می‌کند (بیان نومییدی و اندوه).

(دهم) عنوان شعر: نادر یا اسکندر

پرسش: گویی از خود پرسد: «آیا نیست کر؟» ... گوید «اما خواهرت، طفلت، زنت...؟» باز هم مست و تهی دست آمدی؟ ... زآن چه حاصل جز دروغ و جز دروغ؟ زین چه حاصل، جز فریب و جز فریب؟

مقوله معنایی-منظوری تنبیه و عبرت، ملامت و سرزنش، اظهار یأس و نومییدی (جمعاً ۵ مورد)

در شعر نادر یا اسکندر، نومییدی موج می‌زند. شاعر تصویر گویایی از تن در دادن هم‌زمان خود، به خفت را پس از کودتای ۲۸ مرداد به دست می‌دهد؛ اما او چون جوان و خام است، پس از آرام شدن اوضاع باز عزم مقاومت دارد؛ هر چند می‌داند که تنه‌است (محمدی آملی: ۱۳۸۰). مادرش در زندان به ملاقات وی می‌رود و به بزرگانی اشاره دارد که دست‌ها را به نشانه تسلیم بالا برده‌اند. مادر، او را به یاد خواهر و همسر تنه‌ایش می‌اندازد. وی نیز سرانجام، شکست را می‌پذیرد و از نومییدی به اسکندر پناه می‌برد (یأس و نومییدی).

(یازدهم) عنوان شعر: چون سبوی تشنه

پرسش: وای اما با که باید گفت این؟

مقوله معنایی-منظوری اظهار یأس و نومییدی (یک مورد)

در این سروده، شاعر عشق خود، به زندگی را نشان می‌دهد. زندگی را دوست می‌دارد و مرگ را دشمن؛ اما سرانجام، متوجه می‌شود که باید از دست این دوست، به ناچار به دشمن پناه برد (بیان نومیدی).

دوازدهم) عنوان شعر: آخر شاهنامه

پرسش: هان! کجاست پایتخت این کج آیین قرن دیوانه؟ ... هان! کجاست؟ هان! کجاست پایتخت این دژ آیین قرن پرآشوب؟ ... هان! کجاست پایتخت این بی‌آزم و بی‌آیین قرن؟ ... پایتخت این چنین قرنی کو؟ بر کدامین بی‌نشان قله‌ست؛ در کدامین سو؟ هان! کجاست پایتخت قرن؟

مقوله معنایی-منظوری اظهار یأس و نومیدی (جمعاً ۷ مورد)

« آخر شاهنامه را می‌توان قصه غم غربت خواند» (زریاب خوئی، ۲۷۰: ۱۳۷۹). این شعر، بیانگر خوارشدگی عاطفی، یأس و نومیدی و درماندگی و حقارت ایران واپس نگهداشته شده است. اخوان در اواخر شعر، تنها راه گریز از این یأس و درماندگی را بازگشت به حشمت اعصار و قرون گذشته انسان ایرانی می‌داند (بیان یأس و نومیدی).

سیزدهم) عنوان شعر: قاصدک

پرسش: قاصدک! هان! چه خبر آوردی؟ از کجا، وز که خبر آوردی؟ ... راستی آیا رفتی با باد؟ با توام، آی! کجا رفتی؟ آی! ... راستی آیا جایی خبری هست هنوز؟ مانده خاکستر گرمی جایی؟ در اجاقی - طمع شعله نمی‌بندم - خردک شرری هست هنوز؟

مقوله معنایی-منظوری اظهار یأس و نومیدی (جمعاً ۷ مورد)

«سروده قاصدک، قصه شکوه و درد دل شاعر با موجودی است که در فرهنگ عوام، به عنوان خبرکش شهرت دارد و به هر جا می‌رود، مردم از او انتظار شنیدن خبری خوش دارند؛ اما در برهوت تنهایی و غربت زندگی شاعر، نه تنها خبری نیست؛ بلکه خود قاصدک نیز مورد پرسش قرار می‌گیرد» (عدنانی، ۲۸۵: ۱۳۷۹). برای پی بردن به کارکرد پرسش در این شعر کافی است به آخرین جمله خبری شعر توجه نمود. نتیجه پاسخ به پرسش‌های یادشده، گریه‌ای است که همواره در دل شاعر ادامه دارد (رحیمی: ۱۳۷۹). شاعر از دریافت خبری خوش مأیوس است و جواب پرسش‌هایی را که پرسیده می‌داند زیرا در آغاز شعر، قاصدک را قاصد تجربه‌های تلخ گذشته می‌داند.

چهاردهم) عنوان شعر: پیوندها و باغ

پرسش: تو چه می‌گویی؟ آه چه بگویم؟ ... خامشی بهتر. ورنه من باید چه می‌گفتم به او، باید چه می‌گفتم؟ چه بگویم؟

مقوله معنایی-منظوری طلب خبر، خود جوابی، اظهارعجز (جمعاً ۴ مورد)

این شعر، بر پایه یک گفت‌وگوی دو نفره است. طرف مقابل، از باغ شاعر می‌پرسد. وی از توصیف باغ عاجز است زیرا بر لب جوهای باغ، گلها از بی‌آبی پژمرده اند. هیچ بارانی نیز نمی‌تواند، شادابی را به باغ باز گرداند. پس شاعر سکوت می‌کند و این خاموشی ابتدای فراموشی خواهد بود.

پانزدهم) عنوان شعر: ناگه غروب کدامین ستاره

پرسش: در کوچه عاشق گشته ام من؟ ... ناگه غروب کدامین ستاره ژرفای شب را، چنین بیش کرده ست؟ ... ناگه کدامین ستاره فرو مرد؟

مقوله معنایی-منظوری بیان حزن و اندوه (۳ مورد)

این شعر داستان فقر، بی‌عدالتی و نابرابری در ایران، طی دهه ۱۳۳۰ خورشیدی است. اخوان، مردی را توصیف می‌کند که در سرمای سیاه زمستان در پی لقمه نانی است. شاعر در این شعر می‌خواهد، علت این همه بی‌عدالتی و فقر را بیابد. وی اندوه خود را با این پرسش بیان می‌کند که کدام نیروی رهایی بخشی را از ما ربوده اند که چنین غرق در ظلمت زندگی می‌کنیم.

شانزدهم) عنوان شعر: تسلی و سلام

پرسش: دیدی دلا که یار نیامد؟ گرد آمد و سوار نیامد؟

مقوله معنایی-منظوری اظهار یأس و نومییدی (۲ مورد)

این شعر به طور تلویحی از به خود آمدن اخوان و جدایی وی از احزاب سیاسی حکایت می‌کند. شاعر قصیده را به محمد مصدق تقدیم می‌کند و تسلی و سلامی از اعماق دل به وی می‌دهد. (خوئی: ۱۳۷۰). این سروده یأس اخوان را از آمدن آینده‌ای روشن برای وطن تصویر می‌کند.

(هفدهم) **عنوان شعر:** باغ من

پرسش: باغ بی برگی که می‌گوید که زیبا نیست؟

مقوله معنایی-منظوری نفی مؤکد (یک مورد)

باغ من، روایتی رمز گونه از ایران معاصر شاعر است. (شفیعی کدکنی: ۱۳۷۹). در این سروده، اخوان ابتدا به توصیف باغی خزان زده می‌پردازد. این باغ، باغی است که برگ‌های سبز، یعنی زیبایی خود را از دست داده و اکنون، جامعه‌اش عریانی است. آسمان این باغ همیشه ابری و تاریک و زمستانی است. در بند دیگر شعر، اخوان باغ بی‌برگی را نماد باغ نومیدانی می‌داند که چشم در راه بهار و باغبانی نیست.

پس از توصیف چنین باغی، اخوان می‌پرسد که آیا باغ بی‌برگی زیبا نیست؟ اخوان قبل از ساختن شعر، خود را شاعر ساخته بود و چنین کسی، به چیزهایی که از نظر بسیاری بی‌ارزش هستند، نگاه شاعرانه می‌اندازد و آن‌ها را، زیبا می‌یابد (کیا رستمی: ۱۳۷۹). اخوان با جمله پرسشی خود این تفکر و احساس را به خواننده شعر القا می‌کند که یقیناً باغ بی‌برگی هم زیباست. این جمله پرسشی، در عین حالی که کارکرد نفی مؤکد دارد، نشان دهنده اوج یأس و ناامیدی اخوان نیز می‌باشد.

۶. تحلیل آماری داده‌ها

از مجموع ۱۷ قطعه شعری که مورد بررسی قرار گرفت، تعداد ۹۱ جمله پرسشی، استخراج شد. در تمام جمله‌های پرسشی، تنها ۱۲ کارکرد از ۲۷ کارکرد مجازی مورد بحث شمیسا (۱۳۷۶) مشاهده گردید که به ترتیب عبارتند از: یأس، ابهام، طلب خیر، حزن، عجز، ملامت، نفی مؤکد، تأکید بر جواب، عبرت، تعجب، بی‌تابی، تحقیر.

باتوجه به جدول (۱)، معلوم می‌شود که پرسامدترین مقوله معنایی-منظوری "یأس" است که شامل ۴۲ مورد یا به عبارتی ۴۷٪ مجموع جمله‌ها است. مقوله "ابهام" با ۱۸ مورد، رتبه دوم را به خود اختصاص داده است. تفاوت بین این دو مقوله و ۱۰ مقوله دیگر، بسیار قابل ملاحظه و از نظر آماری معنادار است. کم‌سامدترین مقوله‌ها "تأسف" و "تحقیر" هستند که در مجموع ۲/۱۸٪ از تمام جمله‌های پرسشی را تشکیل می‌دهند. نکته جالب توجه این که در موارد بسیار نادر مقوله دستوری پرسش با مقوله معنایی-منظوری پرسش منطبق است. این همسانی، مؤید نظر زبان‌شناسان است که معتقدند، مقوله‌های دستوری و معنایی کمتر با هم منطبق می‌شوند.

جدول شماره ۱: کارکرد جمله پرسشی در شعر اخوان از لحاظ آماری

کارکرد پرسش	یأس و ناامیدی	بیان ابهام	طلب خیر	حزن و اندوه	بیان عجز	ملامت و سرزنش	نفی مؤکد	تأکید بر جواب	تنبيه و عبرت	تعجب و حیرت	اظهار بی‌تابی	تحقیر
تعداد	۴۲	۱۸	۷	۶	۴	۳	۳	۲	۲	۲	۱	۱
درصد	۴۶/۱۵	۱۹/۷۸	۷/۶۹	۶/۵۹	۴/۳۹	۳/۲۹	۳/۲۹	۲/۱۹	۲/۱۹	۲/۱۹	۱/۰۹	۱/۰۹

۷. نتیجه‌گیری**۷.۱. نتایج کلی**

گاه در مباحثه و مناظره‌های شفاهی، داوری‌هایی در پیوند با آثار، سبک و نگرش متفکران، شاعران و نویسندگان از سوی صاحب‌نظران بیان می‌شود که اثبات آنها، تحقیق‌های عینی و علمی را می‌طلبد. همان‌گونه که در ابتدای پژوهش بیان شد، بسیاری از صاحب‌نظران، اخوان را شاعر یأس و نومییدی می‌پندارند. این انگاره، یکی از مهمترین

پرسش‌هایی بود که این تحقیق، در پی یافتن پاسخی تحقیقی برای آن بود. نتایج آماری تحقیق، ادعای یاد شده را به نحوی بسیار گویا و روشن تأیید نمود. دیدگاه اخوان، تقریباً در نیمی از اشعار مورد بررسی، بیانگر نومییدی و یأس، نسبت به اوضاع حاکم بر جامعه است.

تمام جمله‌های پرسشی که در بردارنده مقوله یأس و ناامیدی هستند، با صیغه اول شخص بیان شده‌اند؛ به عبارت دیگر، اخوان از این جملات پرسشی، چون جملات خبری و تعجبی، برای بیان حالات روحی و روانی خود در هنگام سرودن شعر بهره برده است.

از نقش بافت شخصیتی شاعر، فقر فراگیر و حوادث ناگوار پی در پی در جامعه در سرودن اشعار این‌چنین نیز نباید غافل بود. اشعار اخوان، بازتاب یک تفاوت مهم و اساسی وی با بسیاری از دیگر شعراست. وی تنها شاهد و گزارشگر بی‌طرف و بی‌تفاوت وقایع و حوادث اطراف خویش نیست. وی حوادث بزرگ و کوچک را با تیز بینی خاص خود می‌بیند، با تمام وجود لمس می‌کند و سپس آن‌چنان که آن‌ها را درک کرده، به شکلی تأثیرگذار در قالب شعر بیان می‌نماید.

محتوای اشعار، نشان می‌دهد که شاعر با حساسیتی بسیار بالا، مسائل جامعه را دنبال می‌کند و میل دارد که نقش خود را در قبال چنین شرایطی ایفاء نماید؛ اما با گذشت زمان آن‌چنان دست و بال خود را بسته می‌بیند که تسلیم و نومید می‌شود. نتیجه اینکه باید با دیگران هم‌صدا شد و اخوان را به حقیقت شاعر یأس و نومییدی خواند.

۷.۲. نتایج نظری

از جنبه نظری، تحقیق حاضر تأییدی است نسبت به دیدگاهی که بلوم فیلد (۱۹۳۵) بروز می‌دهد. وی معتقد است که ادبیات مکتوب و شفاهی را، می‌توان در بافت تمام فرهنگ‌ها و اقوام، به عنوان مجموعه‌ای از گفته‌های زیبا و قابل توجه یافت، به طوری که در سایر خصوصیات زیباشناختی خود، ارزش حفظ و تکرار دارند. اشعار موجود در این تحقیق، نمونه‌های بسیار بارزی از ادبیاتی است که بلوم فیلد بدان اشاره دارد.

پاوی (۱۹۷۹) در سطحی کلان، ادبیات را در برگیرنده آمیزش فرهنگی هر ملت می‌داند. وی معتقد است که این آمیزش‌ها را، می‌توان به صورت یک پیوستار در نظر گرفت که در یک طرف این طیف، جنبه‌های همگانی و در طرف دیگر، جنبه‌های فرهنگی که ویژه یک قوم و یا یک ملت است. به عقیده او، در این پیوستار، هیچ کرانه مطلق وجود ندارد؛ زیرا هیچ ادبیاتی نمی‌تواند کاملاً ویژه یک ملت و متعلق به یک فرهنگ یا منطقه ویژه باشد. ادبیات متعلق به انسان است؛ انسانی که بدون در نظر گرفتن آداب و رسوم منطقه‌ای و محلی، دارای تجربه مشترک تولد، مرگ و واکنش در مقابل درد و سرور است. داده‌های تحقیق که نمونه‌های نوعی از اشعار اخوان ثالث است، نمونه‌های مناسبی از فارسی در زمینه مفاهیمی است که پاوی مورد بحث قرار می‌دهد.

ادبیات، در عین اینکه مبین و ممیز تفاوت‌های فرهنگی میان اقوام و ملل مختلف است، بیانگر تجربه‌های مشترک در زندگی فردی و اجتماعی نیز هست. در این زمینه، ادبیات و شعر معاصر ایران نیز به عنوان نمودی از تجربه بشری، در گوشه‌ای از این جهان پهناور در خور تأمل، تفکر و مطالعه است.

۷.۳. نتایج کاربردی

در آموزش زبان دوم، ادبیات جایگاه خاصی برای خود یافته است. یسپرسن (۱۹۶۱) والاترین هدف آموزش زبان دوم را، توانایی دسترسی به افکار یک ملت، یعنی دسترسی به ادبیات می‌داند که روح یک ملت است. فالک (۱۹۷۸) معتقد است که مطالعه زبان در ادبیات، در بسیاری از موارد، در ارتباط نزدیک با موقعیت‌هایی است که زبان آموزان در زندگی واقعی با آن برخورد می‌کنند. پاوی (۱۹۷۹) ضمن تأکید بر روی نقش ابزاری ادبیات در آموزش زبان دوم، معتقد است که ادبیات، به ویژه در سطح پیشرفته، می‌تواند، وسیله‌ای برای یادگیری واژگان و نکات ظریف دستوری باشد؛ زیرا ادبیات مؤثرترین، پر نفوذترین و ظریف‌ترین شکل زبان است. او تأکید می‌کند که زبان آموزان با بررسی دقیق زبان به کار رفته در ادبیات، معنای تلویحی و کنش معنایی آن را درمی‌یابند. بسیاری از داده‌های تحقیق حاضر را با کمی میانه‌روی، می‌توان به عنوان مطالب آموزشی در آموزش فارسی به غیر فارسی‌زبانان به کار برد.

ریورز (۱۹۸۱) نیز بر نقش ادبیات در آموزش ویژگی‌ها، مشخصات و ارزش‌های فرهنگی زبان تأکید می‌کند. او معتقد است که زبان آموزان، باید افزون بر جزئیات ظاهری موجود در متن ادبی، اهمیت درونی و پیامی را که نویسنده یک قطعه شعر، رمان و یا داستان کوتاه در نظر دارد، دریابند. از این رو کسانی که می‌خواهند فارسی را به عنوان زبان دوم بیاموزند، باید با ادبیات فارسی، به ویژه ادبیات معاصر آشنایی پیدا کنند. اشعار مورد بحث در این تحقیق در عین داشتن کاربرد آموزشی از ارزش‌های ادبی زیبا و قابل استفاده در کلاس برخوردار است.

فردی که در حال فراگیری زبان دوم است، باید کارکردهای آن را نیز بیاموزد. برای نمونه، باید بداند چگونه از زبان برای خواهش کردن، عذرخواهی کردن، اجازه خواستن و دیگر کنش‌های گفتاری استفاده کند. تأثیر تئوری کنش‌های گفتاری، در حیطه آموزش زبان، باعث بوجود آمدن برنامه درسی (کاربردی-مفهومی) توسط وان اک (۱۹۷۵) شد. در این نوع برنامه درسی، تأکید بر روی منظور شناسی و آموزش کنش‌های گفتاری به زبان آموزان است (هچ: ۱۹۹۲).

هر چند این کنش‌های گفتاری، در مورد زبان انگلیسی فهرست شده‌اند؛ اما براون (۱۹۸۷) معتقد است که کنش‌های گفتاری نامبرده، در تمام زبان‌های دنیا، متداول هستند و از جمله، همگانی‌های زبان‌های بشری محسوب می‌شوند. وی معتقد است که در آموزش زبان دوم، به جای این که به زبان آموزان یاد داده شود که برای مثال، زمان حال کامل را چگونه به کار ببرند، بهتر است درس را طوری طرح ریزی کنند که کارکردهای گوناگون زبان مقصد همراه با تجربیات لازم بیان شود. او هدف غایی در آموزش زبان دوم را، منظور شناسی، یعنی استفاده از علایم و نمادها برای ارتباط می‌داند و می‌گوید:

اگر زبان‌آموز نتواند از مهارت‌های واژگانی و دستوری خود، برای دریافت و انتقال افکار، عقاید و احساسات بهره گیرد؛ چنین آموزشی هیچ سودی نخواهد داشت. یادگیرندگان زبان دوم نیاز دارند که هدف ارتباط را بفهمند و این آگاهی را به دست آورند که هدف کنش‌های گفتاری چیست و چگونه از طریق صورت‌های زبانی بیان می‌شوند (براون، ۲۰۲: ۱۹۸۷).

در همین راستا، شعر معاصر ایران، از جمله سروده‌های اخوان ثالث، نیز به عنوان نمونه‌ای طبیعی از زبان فارسی، می‌تواند در کلاس‌های آموزش زبان فارسی به عنوان زبان دوم، بسیار مفید باشد. شعر چون با احساسات و عواطف مشترک انسانی سروکار دارد می‌تواند باعث تشویق و جلب توجه زبان‌آموزان شود. افزون بر بسیاری از سروده‌های شاعران از واژگان و زبان ساده و قابل فهمی بهره‌مندند و می‌توانند، کنش‌های گفتاری و نقش‌های معنایی-منظوری جملات را که اساس پیوند بین گویشوران به شمار می‌رود، به زبان آموزان بنمایانند.

یادداشت‌ها

1. Pragmatics
2. Semantics
3. Hermeneutics

منابع

الف: فارسی

- آرین پور، یحیی. (۱۳۷۶). از نیما تا روزگار ما، تاریخ ادب فارسی معاصر، تهران: زوار.
- اخوان ثالث، مهدی. (۱۳۷۰). نقدی بر شعر سهراب و فروغ، دنیای سخن، ۴۰، (۳۸-۴۱).
- الهاسمی، احمد. (۱۳۷۶). جواهر البلاغه فی المعانی و البديع. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- تجلیل، جلیل. (۱۳۶۸). نقش‌بند سخن (دفتر اول)، تهران: اشراقی.
- جرجانی، عبدالقاهر. (۱۳۶۸). دلائل الاعجاز فی القرآن أترجمه: سیدمحمد رادمنش، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- خوزان، مریم و حسین پاینده (۱۳۶۹). زبان‌شناسی و نقد ادبی (ترجمه)، تهران: نشر نی.

- خوئی، اسماعیل. (۱۳۷۰). "م. امید، شاعر شکست؟" *دنیای سخن*، ۴۴، ۴۴-۵۱.
- دستغیب، عبدالعلی. (۱۳۷۹). "شعر امید"، در مرتضی کاخی، *باغ بی برگی*، ۲۵۲-۲۵۰.
- رحیمی، مصطفی. (۱۳۷۹). "صفحه‌ای از افکار اجتماعی اخوان"، در مرتضی کاخی، *باغ بی برگی*، ۲۵۹-۲۵۴. تهران: زمستان.
- زریاب خوئی، عباس. (۱۳۷۹). "در سوگ امید"، در مرتضی کاخی، *باغ بی برگی*، ۲۷۰-۲۶۶. تهران: زمستان.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۹). "اخوان، اراده معطوف به آزادی"، در مرتضی کاخی، *باغ بی برگی*، ۲۷۴-۲۷۱. تهران: زمستان.
- شکری کاظم آبادی، احمدعلی. (۱۳۷۸). *نقش‌های معنایی-منظوری جملات پرسشی درغزلیات حافظ*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۳). *معانی*، تهران: مینرا.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۶). *بیان و معانی*، تهران: فردوس.
- صفوی، کورش. (۱۳۷۷). *زبان‌شناسی و ادبیات*، تاریخچه چند اصطلاح، تهران: معراج.
- صفوی، کورش. (۱۳۸۰). *از زبان‌شناسی به ادبیات*، ۱-۲، تهران: حوزه هنری.
- عدنانی، فرزین. (۱۳۷۹). "تأملاتی در شعر اخوان"، در مرتضی کاخی، *باغ بی برگی*، ۲۹۱-۲۷۹. تهران: زمستان.
- فولادوند، عزت‌الله. (۱۳۷۹). *ای بی کاروان کولی*، در مرتضی کاخی، *باغ بی برگی*، ۳۲۵-۳۰۵. تهران: زمستان.
- قیس رازی، شمس‌الدین محم. (۱۹۰۹/۱۲۷۸). *المعجم فی معاییر اشعار العجم* [تصحیح: قزوین]، لبنان: مطبعه کاتولیکیه.
- کرازی، میرجلال‌الدین. (۱۳۷۴). *زیبا شناسی سخن فارسی*، تهران: نشر مرکز.
- کیارستمی، عباس. (۱۳۷۹). "مسافر"، در مرتضی کاخی، *باغ بی برگی*، ۳۳۴-۳۲۷. تهران: زمستان.
- محمدی آملی، محمدرضا. (۱۳۸۰). *آواز چگور: زندگی و شعر مهدی اخوان ثالث*، تهران: ثالث.
- وجدانی، محمد. (۱۳۶۶). *بیانی متکی بر شعور سبز، گردون*، ۸-۹، ۲۲-۳۵.
- یارمحمدی، لطف‌ا... (۱۳۷۷). *مقابله منظور شناختی در زبان‌های انگلیسی و فارسی؛ با عنایت به چارچوب‌های فکری یا راهبردهای تلویحی فرهنگی*، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، دوره جدید، سال دوم، ۳.
- یارمحمدی، لطف‌ا... (۱۳۸۱). *"چه فکر می‌کنیم، چه می‌گوییم و چه می‌فهمیم"*، (زیر چاپ).
- یوسفی، غلامحسین. (۱۳۶۹). *زمستان امید*، کلک، ۲۲، ۱۶-۶.

ب: انگلیسی

- Austin, J. L. (1962). *How To Do Things With Words*, Oxford: Clarendon Press.
- Bloomfield, Leonard. (1935). *Language*, London: George Allen and Unwin.
- Brown, H. Douglas. (1987). *Principles Of Language Learning and Teaching*, Englewood Cliffs, N. J.: Prentice Hall.
- Falk, Julia S. (1978). *Linguistics and Language*, New York: John Wiley and Sons.
- Hatch, Evelyne. (1992). *Discourse and Language Education*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Jespersen, Otto. (1961). *How To Teach a Foreign Language* London: George Allen and Unwin.

- Kalantari, K. E. (1997). **Requestive Speech Act Realization Patterns: Observations from Persian**, Unpublished M a Thesis, Shiraz University.
- Leech, Geoffrey. N (1983). **Principles of Pragmatic**, New York: Longman.
- Lyons, John. (1990). **Language and Linguistics**, Cambridge: Cambridge University Press.
- Markanen, R. (1985). **Cross-language Studies in Pragmatics**, Jyvaskyla: The University of Jyvaskyla Press.
- Povey, John. (1979). 'The Teaching of Literature'. In M. Celce Murcia and L, Mc Intosh (Eds.), **Teaching English as a Second or Foreign Language**, 212-228. Massachusetts: Newbury House Publishers.
- Rahmani, S. (1996). **Indirect Speech Acts in Persian: Skewedness of Illocutionary Forces and Grammatical Forms and Its Impacts on Translation**, Unpublished M A Thesis, Shiraz University.
- Rivers, Wilga M. (1981). **Teaching Foreign Language Skills**, Chicago: Chicago University Press.
- van Ek, J. A., and Alexander, L.G. (1975). **Threshold Level English**, Oxford: Pergamon Press.

